



ORIGINAL ARTICLE

Regeneration of Traditional Neighborhood Centers based on the Concepts of Alexander's Living Structures Theory, Case Study: Hokm Abad Neighborhood of Tabriz

Sara Hosseini¹, Akbar Abdolazadeh Taraf^{2*}

1. Ph.D Candidate,
Department of Urbanism,
Tabriz Branch, Islamic
Azad University, Tabriz,
Iran.

2. Assistant Professor,
Department of Urbanism,
Tabriz Branch, Islamic
Azad University, Tabriz,
Iran.

Correspondence

Akbar Abdolazadeh Taraf
Email: Taraffarat@yahoo.com

How to cite

Hosseini, S., & Abdolazadeh Taraf, A. (2024). Regeneration of Traditional Neighborhood Centers based on the Concepts of Alexander's Living Structures Theory, Case Study: Hokm Abad Neighborhood of Tabriz. *Urban Ecological Research*, 15(2), 141-162.

ABSTRACT

The purpose of this study is to develop a design guide for executives in the field of urban regeneration based on the theory of living structure of Christopher Alexander. Hokm Abad is one of the traditional neighborhoods in the northwest of Tabriz. It has been weakened and needs to be regenerated. Descriptive-analytical method based on qualitative approach, by explaining the concepts of living structure theory, research indicators are extracted, and according to the research strategy, which is a case study, the development and evaluation of indicators extracted in the case study sample, i.e., the center of Hokm Abad neighborhood was studied. A different approach of this research compared to previous researches is that the present article seeks to develop the principles of living structure theory as design solutions in the field of revitalization of traditional neighborhoods which has not been the subject of research so far. The results indicate the successful of 15 principles of the living structural theory, namely levels of scale, strong centers, boundaries, alternating repetition, positive space, good shape, local symmetries, deep interlock and ambiguity, contrast, gradients, roughness, echoes, the void, simplicity and inner calm, and not-separateness, in strengthening the quality of life in the center of the neighborhood.

KEYWORDS

Regeneration, Christopher Alexander, Living Structure Theory, Traditional Neighborhood Center, Hokm Abad of Tabriz.





«مقاله پژوهشی»

باززنده سازی مراکز محله‌های سنتی براساس مفاهیم نظریه ساختارهای زنده الکساندر، مطالعه موردی: محله حکم‌آباد تبریز

سارا حسینی^۱، اکبر عبدالله‌زاده طرف^{۲*}

چکیده

مطالعه حاضر با هدف تدوین راهنمای طراحی برای مدیران اجرایی در حوزه باززنده سازی شهری بر مبنای نظریه ساختار زنده کریستوفر الکساندر اجرا گردید. حکم‌آباد، یکی از محلات سنتی شمال غربی تبریز می‌باشد، مرکز ساختارمند و چهار میدان تاریخی آن به‌عنوان مرکز زنده واجد ارزش بود که امروزه، به دلیل تحولات دوره مدرن، در حلقه‌ای از فضاهای ناکارآمد احاطه گردیده است و «ساختار زنده» آن تضعیف شده است و باززنده سازی آن ضرورت می‌یابد. مطالعه حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر رویکرد کیفی انجام شد، با تبیین مفاهیم نظریه ساختار زنده، شاخص‌های تحقیق استخراج شد و با توجه به راهبرد مطالعه که به صورت نمونه موردی می‌باشد، بسط و ارزیابی شاخص‌های استخراج شده در نمونه موردی مطالعه یعنی مرکز محله حکم‌آباد مورد مطالعه قرار گرفت. رویکرد متفاوت این مطالعه در مقایسه با مطالعه‌های پیشین در این است که نوشتار حاضر به دنبال بسط «اصول نظریه ساختار زنده» به‌عنوان راهکارهای طراحی در حوزه «باززنده سازی محلات سنتی» می‌باشد که تاکنون موضوع مطالعه نبوده است. نتایج حاصل بیانگر موفق بودن بسط اصول «مقیاس‌های مختلف»، «مراکز نیرومند»، «مرزها»، «تکرار متناوب»، «فضای معین»، «شکل خوب»، «تقارن موضعی»، «انسجام و ابهام عمیق»، «تضاد»، «درجه‌بندی»، «ناهمگونی»، «پژواک»، «فضای خالی»، «سادگی و آرامش درونی»، «جدایی ناپذیری»، در تقویت کیفیت حیات در مرکز محله می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

باززنده سازی، کریستوفر الکساندر، نظریه ساختار زنده، مرکز محله سنتی، حکم‌آباد تبریز.

۱. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران.

نویسنده مسئول: اکبر عبدالله‌زاده طرف
رایانامه: Taraffarat@yahoo.com

استناد به این مقاله:

حسینی، سارا و عبدالله‌زاده طرف، اکبر (۱۴۰۳). باززنده سازی مراکز محله‌های سنتی براساس مفاهیم نظریه ساختارهای زنده الکساندر، مطالعه موردی: محله حکم‌آباد تبریز. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۵(۲)، ۱۴۱-۱۴۶.

مقدمه

رویکرد مناسب می‌باشد. باززنده سازی شهری به معنای تجدید حیات بوده و به مجموعه‌ای از اقدامات متنوع و ترکیبی برای بازگرداندن حیات به فضای شهری صورت می‌پذیرد. در توسعه شهری عدم توجه به باززنده سازی محلی باعث می‌شود که مرکز محله در حلقه‌ای از فضاهای ناکارآمد گرفتار شود و مرکز محلات سنتی فاقد کیفیت «حیات» شود.

تئوری ساختار زنده الکساندر به‌عنوان یکی از پرکاربردترین نظریات به‌عنوان اصول شکل‌دهنده به ساختارهای زنده در محیط‌های طبیعی و ارگانیک بنیان نظری این مطالعه را شکل می‌دهد. اما با نوآوری کاربرد آن به‌عنوان اصولی در باززنده سازی و آفرینش مرکز زنده محله. بنابراین هدف این مطالعه تدوین راهنمای طراحی برای مدیران اجرایی شهر در حوزه باززنده سازی مرکز محله سنتی حکم‌آباد می‌باشد. نخست به تبیین مفاهیم نظریه ساختار و اصول آن پرداخته شد.

مطالعه‌های متعددی نیز به تفکیک در هر دو حوزه «باززنده سازی» و «نظریه ساختار زنده» انجام شده است. ولی بسط اصول نظریه ساختار زنده به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محله موضوعی است که این مطالعه به آن پرداخته است و با رویکردی نو از مفاهیم این نظریه برای باززنده سازی در جهت هدف خود یعنی احیاء مجدد کیفیت «حیات» و «ساختار زنده» در مرکز محلات سنتی، بهره گرفته است. در این راستا مطالعه انجام گرفته به دنبال پاسخگویی به این سؤال است: اصول نظریه ساختار زنده چگونه در باززنده سازی مرکز محله سنتی متبلور می‌شود؟

مبانی نظری

چارچوب نظری

واژه Regeneration در لغت به معنای «بازتولید یا ترمیم طبیعی بخشی از یک تمامیت زنده که در معرض نابودی قرار گرفته است»، می‌باشد. درباره پدیده‌های مرتبط با امور انسانی و اجتماعی، این تجدید نسل، همان‌طور که دیده شد، ممکن است با تغییرات دفعی و ناگهانی همراه شود و یا بطئی و آرام باشد (لطفی، ۱۳۹۰: ۸۰). در ادبیات اخیر دنیا بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام فضاهای شهری جدیدی ایجاد می‌شوند که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های هویتی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارند (حبیبی، مقصودی، ۱۳۹۰: ۲۱۹). در حالت کلی بازآفرینی سعی دارد با بررسی موقعیت، شرایط محیطی، اجتماعی- فرهنگی و

امروز محله با مشکلات و تهدیدهای جدی فرسودگی ناشی از عوامل کالبدی و غیرکالبدی در جوامع معاصر مواجه است. با فرا رسیدن عصر مدرن در حدود سال ۱۹۰۰ وضعیت جهان کاملاً دگرگون شد و در طرح‌های توسعه شهری روندهایی به کار برده شد که امروز نیز روندهای متعارف هستند. در بسیاری از موارد و حتی به‌طور تحمیلی بر ما- فرآیندهای متنوعی از ساختن را روا داشت و تشویق نمود که نگه دارنده ساختار نیست. برخی به‌طور تصادفی مخرب ساختارند که ناشی از سیرت مواج و پر نوسان جامعه مدرن است. برخی بر قواعدی استوارند که مأموران دولتی در مؤسسات شدیداً سازمانی موظف به پیروی از آن‌ها هستند و اغلب آن قواعد در تطبیق با شرایط مناسب کلیت شکست می‌خورند فراتر از همه این‌ها، طرح‌ها و نقشه‌هایی به‌عنوان مبنا در مؤسسات، دستورالعمل‌ها، کانسپت‌ها، نظریه‌ها و ایده‌ها در نظر گرفته شد اجازه نمی‌دهند ساختار زنده شهر حفظ شود (الکساندر، ۱۳۹۱: ۱۳۹۲).

الکساندر در کتاب سرشت نظر بدفهمی رواج یافته از نظم قرن بیستم را منشأ معضلات طراحی امروز معرفی می‌کند. محله حکم‌آباد به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در این مطالعه دارای مرکز محله نیرومند و ساختار پیوسته‌ای بوده است که در اثر رخداد تحولات ساختار شکن دوره مدرن، ساختار منسجم و نیرومند مرکز محله تضعیف شده است. به نحوی که توسعه سنتی محله تا اواخر دوره قاجار روند رو به رشد خود را طی نموده است و ساختار کالبدی کهن خود را حفظ کرده و فضاهایی چون بارو، دروازه، مسجد، بازار، میدان، عناصر کالبدی شکل‌دهنده محله بوده‌اند. ولی به تدریج با روی کار آمدن حکومت پهلوی در سال ۱۳۰۰ و آغاز فعالیت‌ها و اقدامات عمرانی وسیع، دوران تحول معماری نیز آغاز شد و تأثیرات این تحولات در دگرگونی ساختاری محله، بروز و نمود پیدا کرد (میمنت‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۰-۳۰).

استخوان‌بندی اصلی محله و مرکز محله حکم‌آباد در گذر زمان به دلیل خیابان‌کشی‌های متعدد متلاشی شده و عوامل این فروپاشی از یک‌طرف به دلیل تعریض خیابان بهار و رقابت این خیابان با ساختار اصلی حکم‌آباد (خیابان میدان‌ها) است و از طرف دیگر ایجاد خیابان عریض آذربایجان و فروپاشی محله به دو حوزه شرقی و غربی و همچنین تعریض ساختار اصلی (خیابان شهید رنجبر امروزی) به سمت باغات و از بین رفتن مرکز محله و در ادامه تعریض از سمت میدان سبزی به سمت باغات باعث ایجاد رفت و آمد اضافی شده و کلیت یکپارچه محله از هم گسست. حل این مسئله نیازمند مداخلات مبتنی بر

امروزه مطالعات و تحقیقات الکساندر بر ساختارهای منسجم متمرکز شده است (Grabow, 1983: 22). کتاب طبیعت نظم که طی بیش از ۳۰ سال و بر اساس مشاهدات دقیق الکساندر از دنیای پیرامونش نگارش شده است، تمامی نظریه‌های او را از ابتدا تاکنون در برمی‌گیرد. هدف اصلی الکساندر در این کتاب مطرح نمودن این نظریه بوده که چگونه پدیده‌های مختلف با یکدیگر ساختارهای منسجم و زنده را ایجاد می‌کنند. ساختارهایی که در همه پدیده‌های عالم هستی از اتم‌ها گرفته تا کریستال‌ها (میکروارگانیسم‌ها) و برگ‌های زنده و کهکشان‌ها (ماکروارگانیسم‌ها) مشترک است (Alexander, 2004: 23).

الکساندر پانزده اصل نظریه ساختار زنده را مطرح می‌کند این پانزده خصلت، همگی، سیرت و ذات نظام‌های «زنده» را تعیین می‌کنند و بیان می‌کند محدوده‌ای از فضا که می‌تواند این چنین نهادهای زنده‌ای را در برداشته باشد، به‌طور فوق‌العاده‌ای، بسیار متنوع است. نظام‌هایی که این پانزده خصلت را قدرتمندانه دارند، عمیق زنده‌اند. هر چه این پانزده خصلت در فضا بیش‌تر حضور داشته باشند، نظام‌های بیش‌تری که از آن‌ها برخوردارند، به «زنده بودن» گرایش می‌یابند (الکساندر، ۱۹۸۰: ۱۳۹۰). این خصلت‌ها تقریباً در سرتاسر طبیعت مکرر اتفاق می‌افتند و مستقل از یکدیگر نیستند. آن‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. در بسیاری از موارد برای شناخت یکی، نیازمند به شناخت دیگری هستیم. هر خصلت، برحسب دیگر خصلت‌ها، تعیین می‌شود. در حقیقت آن‌ها درهم‌تنیده و به هم تائیده و در هم بافته‌اند (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۲۰۱). این پانزده اصل الکساندر عبارت‌اند از: «مقیاس‌های مختلف»، «مراکز نیرومند»، «مرزها»، «تکرار متناوب»، «فضای معین»، «شکل خوب»، «تقارن موضعی»، «انسجام و ابهام عمیق»، «تضاد»، «درجه‌بندی»، «ناهمگونی»، «پژواک»، «فضای خالی»، «سادگی و آرامش درونی»، «جدایی‌ناپذیری» (Alexander, 2004: 165).

تبیین اصل مقیاس‌های مختلف: با استناد به نظریه الکساندر، مکان‌هایی که مقیاس‌های مختلف بزرگ، کوچک و خیلی کوچک در طیفی زیبا با سطوح مرزبندی شده شکل می‌گیرند، باعث احساس درک عمیق‌تری از سطوح زنده می‌شوند و مراکز طبق آن‌ها خلق می‌شوند (الکساندر، ۱۱۷: ۱۳۹۲-۱۱۲). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل مراکز نیرومند: با استناد به نظریه الکساندر، مهم‌ترین ویژگی یکشی زنده که شکل‌گیری کلیت‌ها هم بر این

اقتصادی به تجدید حیات مکان‌هایی بپردازد که به مرور زمان فرسوده شده و کارایی لازم را ندارند. همچنین به نحوی که احیای کالبدی و عملکردی توأم با یکدیگر به وقوع بپیوندد، باعث افزایش کیفیت‌های محیطی گردد (عندلیب و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷). باززنده سازی بازگرداندن و رساندن یک مکان به‌عنوان محلی برای زندگی و ارائه راهکارهایی برای ارائه زندگی دوباره به یک مکان و ایجاد فرصت برای افراد ساکن در محل است (Cowan, 2005: 329).

الکساندر باززنده سازی فضا^۱ را معادل احیای فضا به کار می‌گیرد و به‌طور کلی حیات را کیفیتی می‌داند که در ذات فضا و در هر چیزی اعم از فضاهای عملکردی و یا در سیستمی زنده از لحاظ زیست‌شناسی موجود است. حیات به معنا و مفهوم جامع، حالتی عمومی است که در هر حوزه به‌هم پیوسته از فضا چه از نظر شکلی، ساختاری، هندسی و اجتماعی وجود دارد (الکساندر، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۶). الکساندر حیات^۲ را در تمام پدیده‌ها بررسی می‌کند و مفهوم زندگی را تنها منحصر به موجودات زنده طبیعت نمی‌داند. وی بر این عقیده است که تمامی ساختمان‌ها و شهرها در نظامی متعادل، هماهنگ و کامل نقش خود را در حفظ حیات و اکولوژی کره زمین ایفاء کنند. او نظم را عاملی نظام بخش و وحدت‌آفرینی می‌داند که در هستی جاری و ساری است. این نظم تنها در ساختارهای ریاضی‌وار و هندسی نقش‌آفرینی نمی‌کند؛ بلکه به سبب طبیعت سرشت فضا ادراک و شناخته شد. برای همین الکساندر در مورد نظم می‌نویسد: «هر شکل از نظم، از مرتبه‌ای از حیات برخوردار است» (الکساندر، ۳۰: ۱۳۹۲). آفرینش شهرها ساختمان‌ها، واحدهای همسایگی برای اینکه بتوانند هم به‌خوبی وظایف عملکردی خود را انجام دهند و هم جزئی از کالبد زنده زمین باشند، باید زنده باشند (الکساندر، ۲۹: ۱۳۹۲-۳۶).

الکساندر سؤال اصلی در طراحی را این‌گونه مطرح می‌کند: «در حال حاضر برای ایجاد زندگی بخشی به کل و ایجاد کلیتی نو چه اقدام منحصربه‌فردی می‌توان انجام داد؟» (الکساندر، ۱۳۷۳: ۴۴-۳۸) و در پاسخ سؤال خود ایده کلیت یکپارچه و مراکز را مؤثرترین راهکار در احیاء «حیات» می‌داند. الکساندر معتقد است که هر پدیده طبیعی یا مصنوعی متشکل از بی‌شمار مرکز است و کیفیت آن پدیده وابستگی به چگونگی برهم کنش مراکز آن است. به اعتقاد الکساندر هر چه تعامل مراکز با یکدیگر بیش‌تر باشند، آن پدیده زیباتر و زنده‌تر است (Alexander, 2004: 81-90).

می‌گردد و موجب به وجود آمدن مراکز بزرگ‌تر و نیرومندتر می‌گردد و به قوی پژواک وحدت‌بخش و یکپارچه کننده طرح است (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۸۵-۱۸۱). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل انسجام و ابهام عمیق^۴: با استناد به نظریه الکساندر، گره خوردن مراکز و دشواری جدایی آن‌ها از مراکز اطرافشان انسجامی عمیق بین آن‌ها به وجود می‌آورد. انسجام و ابهام به دو صورت در هم تنیدگی و اتحاد مرکز با مراکز نزدیک و در شکلی دیگر ابهام فضا با ایجاد نقطه‌های مهم، هم به مرکز خود تعلق دارد و هم به مراکز اطراف در فضا، حاصل می‌شود (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۲). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل شکل خوب (نیکو)^۵: با استناد به نظریه الکساندر، بروز خصلت شکل خوب وابسته به مراکز است که هر بخش شکلی معین و تعریف شده دارد. یک‌شکل خوب باید بعد از تجزیه همه فرم‌ها تعریف شده و قطعی باشد (الکساندر، ۱۵۳: ۱۳۹۲-۱۴۶). به‌کارگیری این اصل در باززنده سازی ساخت اصلی حکم‌آباد می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل فضای معین^۶: با استناد به نظریه الکساندر، ضروری‌ترین خصلت در ساختارهای زنده، فضای معین بوده که منظور از آن برجستگی هر ذره به سمت بیرون است. اگر مرکز، تعیین یافته و خوش‌فرم باشد، فضای معین ایجاد شده به نیرومندتر شدن آن یاری می‌رساند (الکساندر، ۱۴۵: ۱۳۹۲-۱۴۱). به‌کارگیری این اصل در باززنده سازی ساخت اصلی حکم‌آباد می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل تکرار متناوب^۷: با استناد به نظریه الکساندر، تکرار متناوب یکی از راه‌هایی است که مرکز به تقویت حیات خود کمک می‌کند. منظور از تکرار در ساختارهای زنده، گونه‌ای از آهنگ تکرارشونده موازی و متناوب است که در ضرب‌آهنگ مراکز اول تشدید می‌شود (الکساندر، ۱۳۳: ۱۳۹۲-۱۲۷). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل تضاد^۸: با استناد به نظریه الکساندر، تضاد در

اساس بوده، وجود مراکز نیرومند است که به‌عنوان ارکان کلیت مطرح می‌شوند. مراکز می‌توانند متنوع و متقارن باشند. زیرا هر مرکز به مفهوم یک «میدان» شد که این فراتر از یک تقارن موضعی است. منظور از مراکز نیرومند لزوم مراکز هندسی نیست (الکساندر، ۱۲۶: ۱۳۹۲-۱۱۸). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل مرزها^۹: با استناد به نظریه الکساندر، مراکز زنده به وسیله مرزها شکل می‌گیرند. ایجاد یک مرز گردگرد یک مرکز از هدفی دوگانه تبعیت می‌کند. مرزها کار پیچیده مجزا کردن و پیوند زدن را انجام می‌دهند که در ابتدا مرزبندی توجه را به مرکز جلب نموده و از طرفی دیگر مرکز محدود شده را به جهان آن سو یکپارچه می‌کند (الکساندر، ۱۳۳: ۱۳۹۲-۱۲۷). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل تقارن موضعی^{۱۰}: با استناد به نظریه الکساندر، رابطه‌ای دوسویه بین تقارن موضعی و یک مرکز زنده برقرار است. تقارن سراسری و موضعی برای تحقق یک کلیت، مکمل یکدیگر هستند. چنانکه از یک سو پیوسته‌ترین و منسجم‌ترین الگوها بیش‌ترین تعداد تقارن موضعی را دارند و از سوی دیگر بخش‌های متقارن جهت تبدیل طرح به یک کلیت لازم و ضروری‌اند (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۵۴). به‌کارگیری این اصل به‌عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل پژواک^{۱۱}: با استناد به نظریه الکساندر، پژواک هنگام ظهور باعث می‌شود عناصر و مراکز کوچک‌تر که مراکز بزرگ‌تر را پدید می‌آورند، از نظر شکلی اعضای یک خانواده شده و همین امر موجب پیوستگی و یکپارچگی آن‌ها می‌شود. الکساندر در این باره می‌گوید: «تشابه سرشار از کیفیتی آن‌چنان عمیق است که به نظر می‌رسد همه عناصر به هم مرتبط هستند و در عین حال کسی دقیق نمی‌داند که چرا این کیفیت به وجود می‌آید و یا چه چیزی موجب به وجود آمدن آن شد». او این تشابه را پژواک می‌نامد و آن را مربوط به زوایایی می‌داند که در طراحی وجود دارند. او ماهیت خصلت «پژواک» را در لایه‌های بسیار عمیق ساختاری طرح می‌بیند. در جایی که طرح از لحاظ عناصر و مراکز دارای شباهت درونی عمیقی است. به‌طوری انعکاس همدیگرند و باعث انسجام و وحدت مراکز کوچک‌تر

4. Deep Interlock And Ambiguity
5. Good Shape
6. Positive Space
7. Alternating Repetition
8. Contrast

1. Boundaries
2. Local Symmetries
3. Echoes

اغلب موارد می‌توان در فرم‌های ساده و هندسی ایجاد کرد. اما سادگی و آرامش درونی فقط در ظاهر به وجود نمی‌آید، بلکه با حفظ عناصر ضروری و حذف بقیه عناصر می‌توان به سادگی حقیقی دست یافت (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۹۲ - ۱۸۹). به کارگیری این اصل به عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل جدایی‌ناپذیری^۱ با استناد به نظریه الکساندر، آخرین و در عین حال مهم‌ترین خصلت است. جدایی‌ناپذیری به این معنا است که ما یک کل زنده را به عنوان یک جز در جهان و غیرقابل تفکیک از آن، البته با توجه به میزان کل بودنش، تجربه می‌کنیم. از طرفی وقتی حیات در چیزی محو شد، دیگر یک کل نیست. جدایی‌ناپذیری این‌گونه تحقق می‌یابد که یک کل زنده به عنوان یک جزء در جهان نمود می‌یابد و میان یک مرکز با دیگر مراکز اطرافش جدایی وجود ندارد و غیرقابل تفکیک از آن بوده، به طوری که در بافت اطراف ذوب می‌شود (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۹۷). به کارگیری این اصل به عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

در یک جمع‌بندی برای استخراج چارچوب نظری و شاخص‌های تحقیق می‌توان گفت امروزه در شهر با مسئله از بین رفتن کیفیت حیات در ساختار محله مواجه هستیم که اغلب نیازمند مداخلات با رویکرد مناسب است. ولی اغلب طرح‌های باززنده سازی طراحی‌های درختوار هستند. توجهی به دنیای پیش از مدرن یعنی نظام سنت محله ندارند و در اغلب طرح‌های باززنده سازی بهره‌گیری از الگوهای ارگانیک مورد غفلت قرار گرفته است. الکساندر از نظریه‌پردازان و طراحان ساختارگرایی معروف آمریکایی است که با استفاده از تجارب شهرهای کهن، فرآیندی نو برای طراحی را پیشنهاد می‌دهد (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۴). الکساندر در پی رسیدن به طراحی مطلوب و دارای کلیت، سیری را طی می‌کند و در نهایت در کتاب سرشت نظم، بدفهمی رواج یافته از نظم قرن بیستم را منشأ معضلات طراحی امروز معرفی می‌کند. کریستوفر الکساندر معتقد است که طرح‌های کنونی ایجاد نظم را به قیمت زیر پا گذاشتن خصلت زنده شهری به دست می‌آورند و نتوانسته‌اند هیچ نوع نظم قابل‌توجهی را به وجود آورند. آثار الکساندر در زمینه مبانی نظری معماری کوشیده با نگاهی دقیق و ریزبینانه اصول معماری و شهرسازی در جوامع سنتی و قواعد جاری در نظام

شیء زنده باعث پایداری آن می‌شود و آن را می‌توان به شکل‌های مختلف پر و خالی و سیاه و سفید ایجاد کرد. نکته مهم در خلق مراکز این‌چنینی، یکپارچگی و پیوستگی فضا است که باید حفظ شود. (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۶۹-۱۶۵). به کارگیری این اصل به عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل فضای خالی (تهی)^۲: با استناد به نظریه الکساندر، عامل دیگری که در شکل‌گیری مراکز زنده مؤثر بوده، فضای خالی بین آن‌ها است. از این نظر علاوه بر آرامش و سکونی که از فضای خالی ایجاد می‌شود، باعث جذب انرژی مرکز و نیروبخشی به آن نیز شده و شکل‌گیری فضایی هندسی و منظم را به همراه خواهد داشت (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۸۸ - ۱۸۶). به کارگیری این اصل به عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل ناهمگونی^۳: با استناد به نظریه الکساندر، ساختارهایی که برخوردار از «حیات واقعی» هستند، همواره از نوعی سادگی و نایکسانی شکلی برخوردارند. این خصلت تصادفی یا به‌جا مانده از یک فرهنگ عقب‌مانده از لحاظ فنی و یا نتیجه کار دست ساخت و یا محصول بی‌دقتی نیست. این خصلتی حیاتی و ضروری است که بدون آن ساختار نمی‌تواند کلیت به حساب آید. ناهمگونی زمانی تحقق می‌یابد که طرح‌های یک‌شکل، در جاهای کاملاً یکسان قرار نگیرند. نکته بسیار مهم در ایجاد یک فضای ناهمگون، ناخودآگاه و غیرارادی بودن طراح در خلق مراکز نیرومند است (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۸۰ - ۱۷۴). به کارگیری این اصل به عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل درجه‌بندی (مرتب‌بندی)^۴: با استناد به نظریه الکساندر، حرکت در فضا و سلسله‌مراتب با تغییر تدریجی فاصله، اندازه، شدت و خصوصیات، بستری مناسب جهت خلق مراکز نیرومند را فراهم می‌نماید. سلسله‌مراتب علاوه بر اینکه باعث تنوع و گوناگونی مراکز می‌شود به آرامی کلیت درونی آن را نیز آشکار می‌کند (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۷۳ - ۱۶۹). به کارگیری این اصل به عنوان راهکاری در باززنده سازی محلات سنتی می‌تواند به تقویت کیفیت «حیات» در محله کمک کند.

تبیین اصل سادگی و آرامش درونی^۵: با استناد به نظریه الکساندر، کلیت یک ساختار زنده، ساده و بی‌آلایش است که در













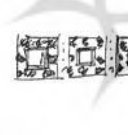

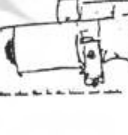
5. Not Separateness

1. The Void
2. Roughness
3. Gradients
4. Simplicity And Inner Calm

پیش از مدرن» یعنی نظام سنت را صحیح‌ترین منبع الهام در ساختن جاودانه معرفی می‌کند. به دنبال فرآیندهای موجود در آن، تلاش می‌کند آن را به معماری تعمیم دهد. مطالعات الکساندر بر ساختارهای منسجم متمرکز شده است و پانزده اصل ساختار زنده را به‌عنوان اصول دستیابی به ساختار زنده معرفی می‌کند. چارچوب نظری این مطالعه در قالب جدول ۱، ارائه شده است.

طبیعت را در فرآیند ساخت و آفرینش ثبت و تدوین نماید. الکساندر با نقد دنیای مدرن و جهان‌بینی علمی و عقل‌گرا آغاز کرد و معماری را در ارتباط تنگاتنگ با جهان‌بینی انسان دانست. او خواستار پایان دادن به تخریب زمین ناشی از نهضت معماری و شهرسازی مدرن شد و بازگشت قداست و معنا به طبیعت را رمز توسعه پایدار و ساختن جاودانه می‌داند. او «طبیعت» و «دنیای

جدول ۱. چارچوب نظری تحقیق.

اصول منتخب احقاق هدف: اصول پانزده‌گانه نظریه «ساختار زنده»					هدف	
					اهداف ریز	هدف کلی
					احیا «مرکز ساختارمند محل»	
فضاهای معین	شکل خوب	انسجام و عمیق و ابهام	مراکز نیرومند	مقیاس‌های مختلف		
					دستیابی به «ساختار زنده» مرکز محل حکم‌آباد	احیا «کلیت یکپارچه محل»
پژواک	ناهگونی	فضای خالی	تضاد	سادگی و آرامش درونی		
						
جدایی‌ناپذیری	درجه‌بندی	مرز	تکرار متناوب	تقارن‌های موضعی		

نتایج تحقیقی از حسینی و عبدالله‌زاده طرف (۱۳۹۶) با عنوان بازطراحی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکردی تحلیلی بر نظریات طراحی کریستوفر الکساندر نشان از موفق بودن بسط اصول پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده در بازطراحی محلات سنتی دارد.

نتایج مطالعه عبدالله‌زاده طرف و همکار (۱۴۰۰) با عنوان واکاوی تاریخی بازتاب اصول پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده کریستوفر الکساندر بر سازمان فضایی ابواب البر ایلخانی نشان از موفق بودن تعمیم‌پذیری اصول پانزده‌گانه بر ساختار مجموعه‌های ابواب البر ایلخانی شب‌غازان و ربع رشیدی دارد. نتایج تحقیقی از مدقالچی و همکار (۲۰۱۹) با عنوان بازشناسی مجموعه گنجلی خون کرمان بر اساس تئوری ساختار زنده الکساندر نشان می‌دهد ساختار میدان گنجلی خان با اصول نظریه ساختار زنده منطبق می‌باشد.

نتایج تحقیقی از موتوگمری (۲۰۰۳) با عنوان محله‌های فرهنگی به‌عنوان سازوکارهایی برای بازآفرینی شهری نشان می‌دهد برخورداری از تعریف فضایی و فرم کالبدی مطلوب، شرط لازم

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیقی از هاتفی شجاع (۱۳۹۴) با عنوان میزان تعمیم‌پذیری نظریه ساختار زنده کریستوفر الکساندر در باغ ایرانی از موفق بودن تعمیم‌پذیری اصول پانزده‌گانه ساختار زنده الکساندر در باغ ایرانی صحبت می‌کند.

نتایج تحقیقی از استاد غفاری (۱۳۹۵) با عنوان بازآفرینی شهری خوانایی محور رویکردی به تجدید حیات شکلی و محتوایی ساخت اصلی، دیدگاه احیا و نوسازی‌های کالبدی را برای تجدید حیات بافت‌های کهن شهری کافی ندانسته و بازآفرینی عملکردی و بهره‌برداری تجاری-اقتصادی فعال از بناها و فضاهای کهن را شرط لازم تضمین تنوع فعالیت، جذب کاربران، خلق تصاویر عینی و ذهنی مطلوب‌تر و از نو زنده ساختن محلات کهن می‌داند. بازآفرینی مدنظر در این پژوهش نیز ساختار محور با تأکید بر مؤلفه‌های عملکردی محیط می‌باشد.

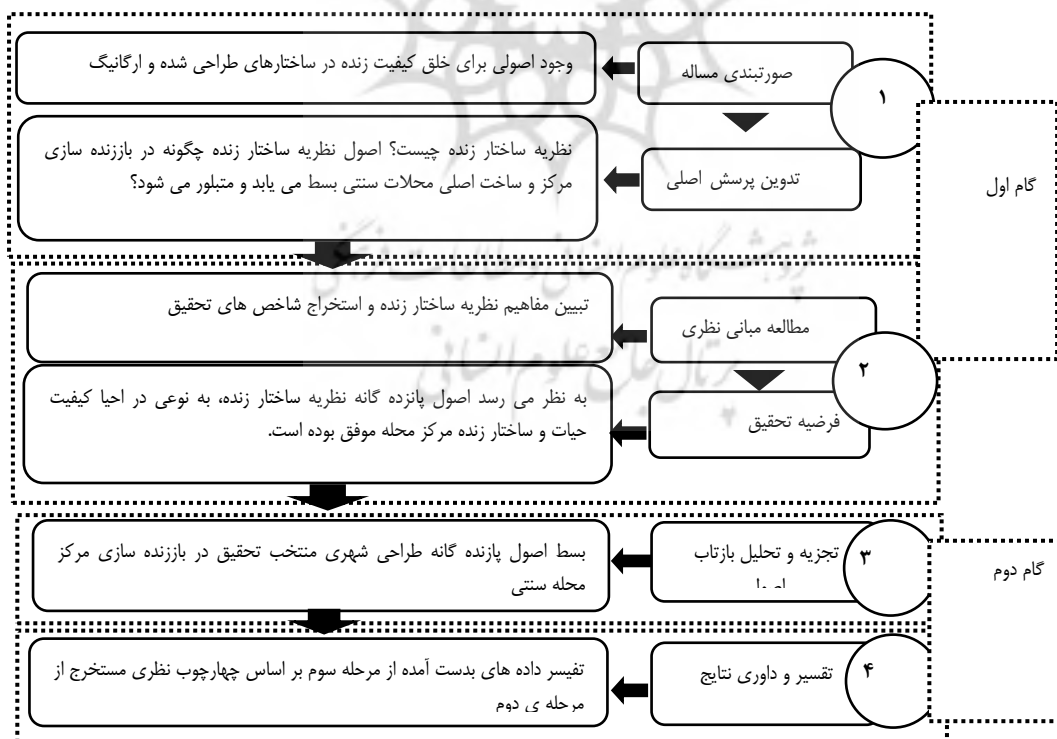
مراجعه به منابع اصلی و کتب تاریخی و نقشه‌ها و اسناد موجود که بخشی از وضعیت ساختار و فضاهای محله حکم‌آباد در گذشته را به تصویر کشیده بود و همچنین با مشاهدات میدانی محدوده از وضعیت موجود ساختار حکم‌آباد اطلاعاتی به دست آمد. با بررسی ساختار محله از آفرینش اولیه تا امروز، نخست با مطالعه در اسناد تاریخی کیفیات ساختار محله سنتی حکم‌آباد در گذشته را برجسته کرد و سپس با مشاهده میدانی و اسناد موجود، دگرگونی‌ها و تحولات ساختاری محله از گذشته تا به امروز مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت و علت تضعیف ساختار محله مشخص شد. برجسته کردن کیفیات محله سنتی امری ضروری است تا با توجه به آن کیفیت باززنده سازی محله انجام شود. همچنین کتاب سرشت نظم کریستوفر الکساندر به‌عنوان پشتیبان نظری کار مطالعه گردید و شاخص‌های پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده از آن استخراج گردد. گام دوم تحقیق نیز در دو مرحله انجام شد. در مرحله سوم به بسط شاخص‌های مستخرج از مبانی نظری در ساختار مرکز محله حکم‌آباد بررسی گردید و در مرحله چهارم نیز به تفسیر و داوری نتایج پرداخته شد (شکل ۱).

برای خلق فضاهایی می‌باشد که می‌توانند به‌عنوان ظرف و بستر مناسب برای جذب فعالیت‌ها و کاربران متنوع عمل کنند. بازآفرینی مدنظر در این پژوهش نیز، یک نوع بازآفرینی ساختار محور با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی - بصری محیط می‌باشد.

تفاوت رویکرد باززنده سازی این تحقیق با مطالعات پیشین در این است که مفاهیم نظریه ساختار زنده را مبنای کار خود قرار می‌دهد و مطالعه حاضر به دنبال بسط «اصول نظریه ساختار زنده» به‌عنوان راهکاری در «باززنده سازی محلات سنتی» می‌باشد که تاکنون موضوع مطالعه نبوده است و در این تحقیق تلاش بر آن است با بهره‌گیری از الگوهای ارگانیک، اصول نظریه ساختار زنده را به‌عنوان راهکاری برای مدیران اجرایی در حوزه باززنده سازی شهری بسط دهد.

روش انجام کار

این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر رویکرد کیفی و در دو گام کلی انجام شد. گام نخست در دو مرحله صورت‌بندی شد. مرحله اول صورت‌بندی مسئله و تدوین پرسش اصلی و مرحله دوم شامل مطالعه مبانی نظری و مشاهدات میدانی و استخراج فرضیه مطالعه شد که در این مرحله مطالعات اسنادی صرفاً با



شکل ۱. نمودار فرآیند انجام تحقیق.

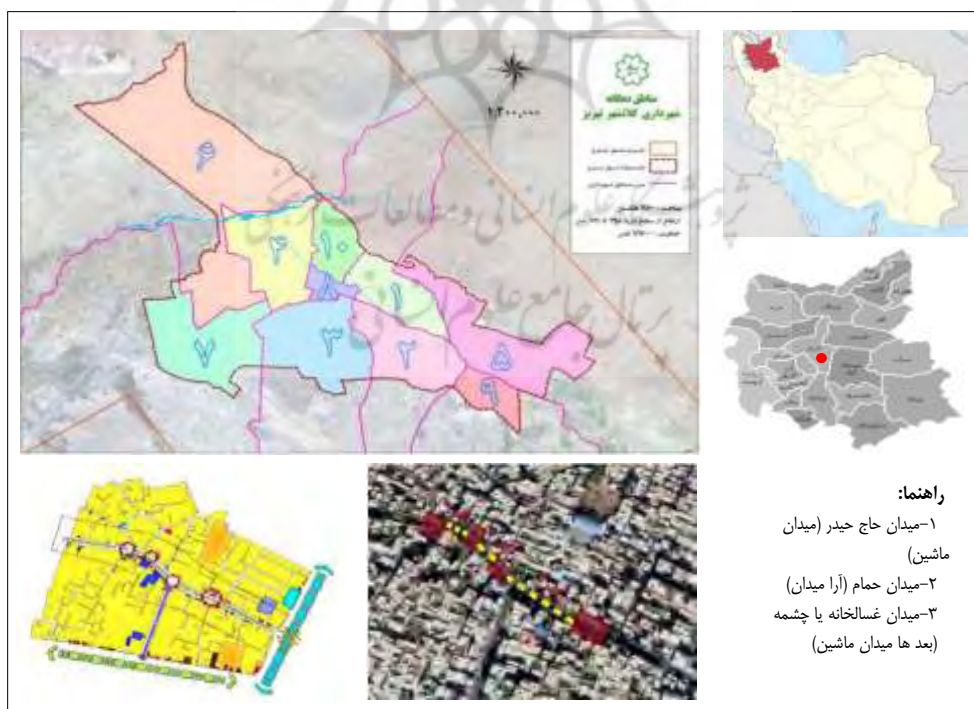
محدوده مورد مطالعه

حکم‌آباد از محله‌های شمال غربی شهر تبریز است. از شمال به امیر زین‌الدین و جمشیدآباد (جامیش آوان)، از جنوب به شنب‌غازان، از شرق به محله‌های ویجویه و چوستدوزان و از غرب به قراملک محدود است» (شکل ۲).

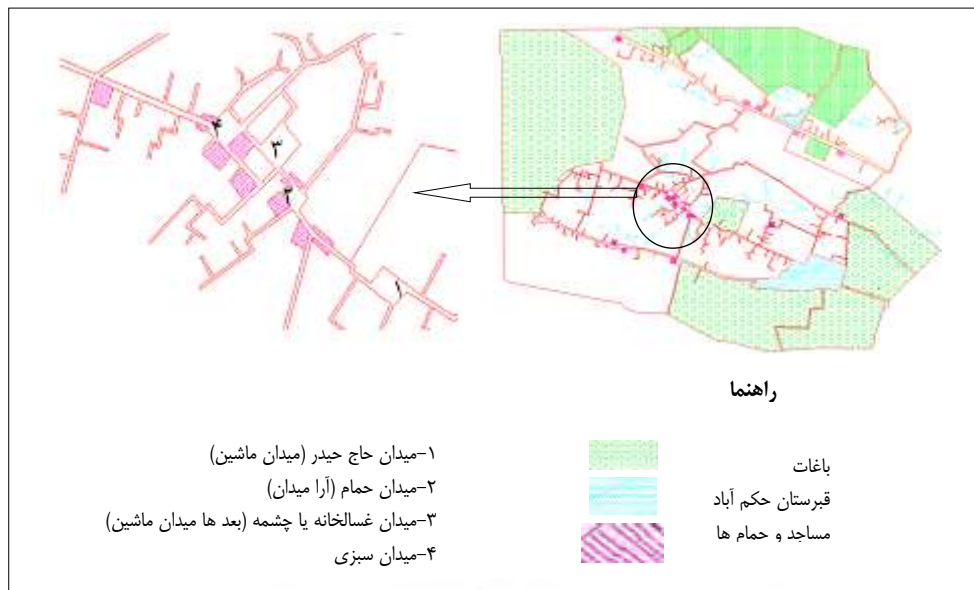
شایان ذکر است که تا حدود ۳۵ سال قبل بخش اعظم مساحت تقریبی ۴ کیلومتری حکم‌آباد را باغ‌ها و زمین‌های زراعی به خود اختصاص داده بودند که البته امروز حدود بسیار کم‌تری از آن زمین‌ها باقیمانده است زیرا در بسیاری از زمین‌ها از سوی دولت طی پروژه‌های کوچک و بزرگ عمرانی بناسازی صورت گرفته که به‌عنوان نمونه از شهرک امام خمینی می‌توان یاد کرد. مرکز حکم‌آباد به نام «سبزه میدان» معروف است که تا سال ۱۳۶۰ به‌عنوان مرکز عمده خرید و فروش سبزی محسوب می‌شد (میمنت نژاد، ۱۳۸۲: ۱۳-۸). حکم‌آباد در استخوان‌بندی اصلی خود دارای یک گورستان بزرگ در شرق محله، مرکز محله و دارای پهنه سبز در اطراف این استخوان‌بندی بود.

همان‌طور که در شکل ۳، مشخص است، مرکز محله حکم‌آباد دارای چهار میدان بود. از سمت شرق این‌گونه می‌توان نام برد: ۱. اول میدان حاج حیدر که بعدها «میدان ماشین»

می‌نامیدند. ۲. دوم میدان حمام که دور تا دور آن مغازه بود و برخی از مردم آنجا را میدان وسط (آرا میدان) نیز می‌نامیدند. در ضلع شرقی این میدان کاروانسرای برای استراحت افرادی که از ارسباران زغال می‌آوردند، وجود داشت. این کاروانسرا در حدود سال‌های ۳۶-۱۳۳۵ به تجاری و مسکونی تبدیل شده بودند که اخیر در مسیر خیابان شهید رنجبر قرار گرفت. ۳. سوم میدان غسلخانه یا چشمه (میدان شهرداری نیز نامیده می‌شد) که چشمه‌ای ۷ پله داشت و آب قنات حکم‌آباد از آنجا عبور می‌کرد. در این میدان غسلخانه‌ای بسیار قدیمی وجود داشت که بقایای آن تا سال ۱۳۷۱ موجود بوده از داخل غسلخانه چشمه گفته شده، عبور می‌کرد. ۴. چهارم میدان سبزی‌فروشان: بسیار وسیع بود و اکنون نیز از سمت جنوب قسمتی از آن باقی است. داد و ستد سبزی‌فروشان از صبح اول وقت تا ساعتی بعد از طلوع آفتاب هر روز دیدنی بود. به‌طوری‌که در تبریز قدیم نقطه‌ای به این پرهیاهویی وجود نداشت. انبوه ارابه، الاغ، اسب و بعدها وانت‌بارهای متعلق به خریداران فروشنده‌گان در این میدان موج می‌زد. میدان یاد شده نقطه انتهایی بازارچه حکم‌آباد بود. بازارچه‌ای که مردم با زحمت فراوان توسط تکه‌های حصیر و نی‌های چوبی مسقف‌اش نموده و در همان مکان به داد و ستد می‌پرداختند (میمنت نژاد، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۶).



شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه در نقشه ایران، استان و مناطق ده‌گانه تبریز



شکل ۳. شناخت تاریخی-تفسیری از «کلیت یکپارچه» و «مرکز ساختارمند» محله حکم‌آباد سنتی

بر اساس نقشه دارالسلطنه قرجه داغی سال ۱۲۹۷

وضع موجود محدوده مورد مطالعه

محله قدیمی حکم‌آباد تبریز که نادر میرزا در کتاب خود «تاریخ دارالسلطنه تبریز» این محله را نمونه بهشت می‌خواند، امروز در برخی قسمت‌ها کوچه‌های زشت، خیابان‌هایی مخروبه، ساختمان‌هایی فرسوده و فرو ریخته که از در و پنجره شکسته‌شان فقر و فلاکت می‌بارد، چیز دیگری باقی نمانده است.

شعر ترکی در مورد وضع نابسامان و از هم گسسته حکم‌آباد امروزی: هر یر آباد اولدی، سن ویرانه قالدون همکماوار (هرجایی آباد شد ولی تو ویران شدی حکم‌آباد) بیش‌تر به نظر می‌آید، کلمه «ویرانه» در شعر در مورد وضعیت ساختار از هم گسسته و بی‌نظم و فاقد کلیت و رو به افول «حکم‌آباد» سخن گفته است. محله سنتی حکم‌آباد در گذشته در استخوان‌بندی خود یک محور پیوسته قوی داشته است. مسیر خیابان «اره‌گر» از محل «بلوار» (مقابل بانک ملی شعبه حکم‌آباد فعلی) تا مقابل «مسجد کوشک» (مسجد سادات فعلی) شاخه‌های گل چیده شده بود و ساکنان این مسیر نیز مقابل خانه‌های خود را آب و جارو کرده گلدان‌های بسیار گذارده بودند. این نشان‌دهنده پیوستگی محور اصلی محله در گذشته بوده است. ضرب‌المثل معروفی بین اهالی مشهور بوده: حکم‌آباد اوزاق، کردیسی یاخین. این یعنی باغات حکم‌آباد در دور محله از دوردست‌ها دیده می‌شده است. همان‌طور که در شکل ۳، دیده می‌شود در سال ۱۲۹۷، باغات در ساختار یکپارچه محله نقش اساسی

داشته و همچون مرزی پیرامون آن بوده نقش اساسی در شکل منسجم محله داشته است. دروازه‌ها عامل انسجام بخش محله بودند، چون دروازه در مسیر استخوان‌بندی اصلی قرار می‌گرفت ولی با ورود خودرو- چون ورود خودرو همیشه از مسیر اصلی می‌باشد- دروازه‌ها به‌ناچار رو به نابودی گذاشتند (میمنت‌نژاد، ۱۴: ۱۳۸۲). باروی محله عامل دیگر انسجام بخش ساختار محله بود که با گذر زمان به‌ناچار از بین رفت و به دنبال از بین رفتن بارو شروعی برای تضعیف مرز محله شد و ساختار منسجم محله از هم پاشید. همان‌طور که در نقشه‌های سال ۱۲۹۷، ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۶ مشخص است هیچ خیابان‌کشی وجود در محله وجود ندارد و محله داری کلیت یکپارچه و مرکز ساختارمند است بعد از آن در سال ۱۳۵۴ خیابان بهار شروع به توسعه کرد، حتی شعر ترکی بین اهالی حکم‌آبادی آن روزگار مرسوم بود که به خیابان بهار امروزی خیابان زوراک می‌گفتند (میمنت‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲۴۰-۲۳۹). نشان‌دهنده این است خیابان بهار امروزی در گذشته با نام خیابان زوراک مرسوم بود، یعنی خیابانی که اهالی مخالف توسعه و تعریض آن خیابان در محل زندگی خودشان بودند، اما به دنبال توسعه خیابان حکم‌آباد (بهار امروزی) و کاهش اهمیت خیابان میدان‌ها (شهید رنجبر امروزی)، توسعه‌ها پیرامون خیابان فرعی (حکم‌آباد) شکل گرفت و ساخت‌وسازهای جدید موجب اختلاف فرهنگی و طبقاتی بین دو قسمت از یک محله شد و این ساخت‌وسازهای جدید موجب آمدن افراد از روستاها به این محله و ساکن شدن

آذربایجان و تقسیم محله به دو نیمه جدا از هم مشاهده می‌شود و همچنین ادامه تعریض و مسیر گشایی در خیابان فیضیه و نظام پزشکی در سال‌های بین ۱۳۸۲-۱۳۹۲، کلیت یکپارچه محله همان‌طور که در شکل ۴، مشاهده می‌شود، به دنبال تعریض و توسعه خیابان‌ها از بین رفت و همان‌طور که در شکل ۵، مشاهده می‌شود، عناصر را به صورت پراکنده مثل دکان‌ها، حمام‌ها مسجد در خیابان میدان‌ها (شهید رنجبر امروزی) می‌بینیم که در اطراف میدان‌ها باقی ماندند، در واقع با نابودی مرکز نیرومند محله، محله حیات و ساختار زنده خود را از دست داد.

بیتس در کتاب طراحی شهرها در مورد نابودی مراکز می‌نویسد: «چیزهایی را می‌بینیم که جدا جدا افتاده‌اند. مرکزی باقی نمانده است. هرج و مرج محض، بال و پر خود را گشوده است» (موتین، ۱۱۶: ۱۳۹۵). همچنین اتفاقی را در مرکز محله سنتی حکم‌آباد می‌بینیم.

افراد روستایی با فرهنگ دورتر در محله‌های نوساز و بهتر شهر شد و این باعث کاهش اهمیت خیابان اصلی (خیابان میدان‌ها) در ساختار اصلی شد. اهمیت مرکز محله و قسمت سنتی آن از بین رفت، به دنبال آن اهالی خواستار توسعه خیابان میدان‌ها شدند تا از ترک شدن محل به دلیل توسعه ساخت‌وسازهای جدید و کوچ اهالی به سمت خیابان‌های جدید جلوگیری شود. در نتیجه خیابان میدان‌ها (شهید رنجبر امروزی) نیز تعریض شد و از سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ تعریض خیابان شهید رنجبر تا میدان سبزی رخ داد و با این تعریض مرکز ساختارمند محله (۴ میدان) و کلیت یکپارچه آن از هم پاشید و عناصر میدان‌ها از هم جدا افتادند و ادامه خیابان رنجبر نیز از سال ۱۳۷۶ - ۱۳۸۲ از سمت میدان سبزی تا باغات صورت گرفت و پس از آن نیز تعریض خیابان شهید بلندی که محور شهید رنجبر را به خیابان بهار وصل می‌کند، موجب نابودی بیش‌تر ساختار اصلی و مرکز محله شد و همچنین از سال ۱۳۷۰ به بعد تعریض بلوار



حکم‌آباد ۱۳۴۶



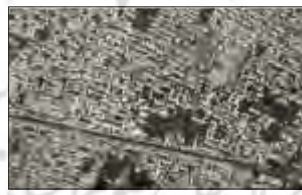
حکم‌آباد ۱۳۳۵



حکم‌آباد ۱۲۹۷



حکم‌آباد ۱۳۷۵



حکم‌آباد ۱۳۶۴



حکم‌آباد ۱۳۵۴



حکم‌آباد ۱۴۰۰



حکم‌آباد ۱۳۹۲



حکم‌آباد ۱۳۸۲

شکل ۴. شکافته شدن انسجام و یکپارچگی بافت محله و تضعیف کلیت مرکز محله و چهار میدان آن از طریق تعریض خیابان و ورود خودرو



فضای باقیمانده از میدان غسلخانه یا چشمه (میدان شهرداری)

باقیمانده‌های آرا میدان (میدان وسط)



باقیمانده بخش جنوبی میدان سبزی

باقیمانده بخش شمالی میدان سبزی

شکل ۵. وضعیت موجود مرکز محله محدوده‌ی مورد مطالعه (چهار میدان)

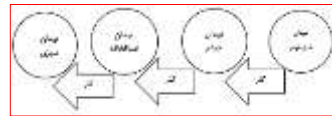
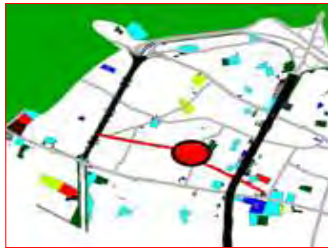
زنده در ساختار محله سنتی حکم‌آباد پرداخته شده است که نحوه نمایش و بازتاب بسط اصول در قالب جدول‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ آمده است:

یافته‌ها

با توجه به ساخت اصلی مرکز محله سنتی حکم‌آباد و فضاهای باقیمانده آن، در باززنده سازی محله برای تقویت کیفیت حیات مرکز محله به بسط اصول پانزده‌گانه مستخرج از نظریه ساختار

جدول ۲. نمایش بسط اصول پانزده‌گانه نظریه «ساختار زنده» کریستوفر الکساندر در باززنده سازی مرکز محله سنتی حکم‌آباد

نام اصل	توضیح اقدام مربوط به بسط هر اصل	بیان گرافیکی بسط اصل در مرکز محله حکم‌آباد
«مقیاس‌های مختلف»	بسط اصل «مقیاس‌های مختلف» در ساختار محله: رعایت سلسله‌مراتب دسترسی در فضای گذرها و میدان‌ها رعایت سلسله‌مراتب کارکردی راه‌ها رعایت سلسله‌مراتب فضاها: فضای خصوصی، نیمه عمومی (فضای اشتراکی)، عمومی در فضای میدان‌ها حفظ ورود سلسله‌مراتبی از گذرهای محله به داخل میدان رعایت سلسله‌مراتب کارکردی ورودی‌ها با اولویت فرعی، اصلی رعایت سلسله‌مراتب در توده‌های ساختمانی (تراکم - ارتفاع) اطراف میدان‌ها برخورداری از سلسله‌مراتب در ابعاد طراحی میدان‌ها در اندازه‌های متفاوت (شکل ۶).	
		شکل ۶. نمایش بسط اصل مقیاس‌های مختلف در مرکز محله



شکل ۷. نمایش بسط اصل مراکز نیرومند در مرکز محله

«مراکز نیرومند»



بسط اصل «مراکز نیرومند» در ساختار محله: تقویت هر یک از میدان‌ها به‌عنوان یک مرکز نیرومند ایجاد مرکزیت از طریق طرح کف ایجاد مرکز نیرومند از طریق تعریف و تجمیع کاربری‌ها ایجاد مرکز نیرومند از طریق تجمیع فعالیت‌ها ایجاد مرکزیت از طریق فضای عمومی میدان‌ها مرکز نیرومند هر یک از میدان‌ها به‌عنوان مرکزیت نقل تجاری تقویت مرکز نیرومند در فضای میدان‌ها و گذرها از طریق احیا عملکرد گرمابه‌های قدیمی مثل گرمابه نوعروس به‌عنوان پتانسیل فضایی مرکز محله و شاخص کردن عناصر هویت‌بخش و قدیمی محله مثل مسجد حاج محمدعلی و گرمابه نظافت تقویت مرکز نیرومند میدان‌ها و گذرها با اولویت دادن به پیاده و استقرار و تخصیص کاربری‌های فعال و جاذب در جداره‌ها تقویت نقاط مکث میدان‌ها از طریق فعالیت‌های جاذب و مناسب‌سازی فضای میدان‌ها به‌عنوان پاتوق و گره فعالیت‌های گروه‌های فعال محلی (شکل ۷).

بسط اصل «مرز» در ساختار محله:

پیشنهاد دروازه‌های محله برای تعریف حدود محله

طراحی مرز مصنوع و مرز طبیعی برای محله و عناصر آن

تقویت ویژگی مرز از طریق بستگی اشکال و اجزا و عناصر

تقویت ویژگی مرز با مجاورت اجزا و عناصر

تقویت ویژگی مرز با درخت‌کاری متوالی

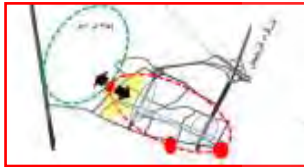
تقویت ویژگی مرز محله با نورپردازی در شب

تقویت ویژگی مرز ساخت دروازه‌ها

تقویت مرز پهنه‌ی سبز و باغات

تقویت مرزهای توده‌های ارتفاعی (شکل ۸).

«مرز»



شکل ۸. نمایش بسط اصل مرز در مرکز محله

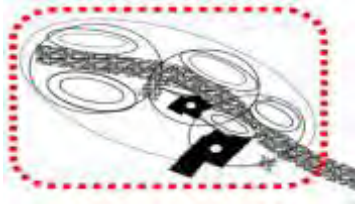
جدول ۳. نمایش بسط اصول پانزده‌گانه نظریه «ساختار زنده» کریستوفر الکساندر در بازنده سازی مرکز محله سنتی حکم‌آباد

نام اصل	توضیح اقدام مربوط به بسط هر اصل	بیان گرافیکی بسط اصل در مرکز محله حکم‌آباد
«تقارن موضعی»	بسط اصل «تقارن موضعی» در ساختار محله: زنجیروار کردن فضای میدان‌ها ایجاد گوشه‌های متوازن در فضای میدان‌ها ایجاد بدنه‌های مشابه در میدان‌ها هم‌پوشانی فضاهای چند میدان جهت‌گیری خنثی به کمک لبه سازی مداوم جهت‌گیری خنثی به کمک خط دیوار و انتهای آن جهت‌گیری خنثی به کمک گوشه‌های یکسان ایجاد مرکزیت به کمک شکل اصلی ایجاد مرکزیت به کمک طرح کف ایجاد مرکزیت به کمک یک سطح بالارونده ایجاد مرکزیت به کمک یک سطح پایین رونده بسط اصل «پژواک» در ساختار محله: «پژواک» از طریق واحدهای بصری: نزدیکی و چیدمان عناصر میدان‌ها، شباهت یا همسانی عناصر میدان‌ها (شکل ۹). «پژواک» از طریق واحدهای کالبدی: ساختارهایی با ارزش‌های یکسان، تقویت پیوستگی و یکپارچگی میدان‌ها از نظر شکلی شکل و سمت‌گیری‌های مشابه، تقویت پیوستگی مراکز نیرومند کل محله ایجاد توالی در قرارگیری نشانه‌ها در فضای گذرها و میدان‌ها تناوب جهت میدان‌ها	شکل ۹. نمایش بسط اصل تقارن موضعی در مرکز محله
«پژواک»		

شکل ۱۰. نمایش بسط اصل پژواک در مرکز محله

رنگ‌ها تقویت جداره‌های میدان با ویژگی‌های و خصلت‌های
مشترک معماری میدان‌ها با ویژگی‌های مشترک
سلسله‌مراتب
تکرار فرم مشخص عناصر
تکرار فاصله مشخص عناصر
سازمان‌دهی توالی نورپردازی
سازمان‌دهی توالی کف‌سازی
سازمان‌دهی توالی مبلمان، تقویت پیوستگی میدان‌ها از طریق
کف‌سازی
درجه یا شدت تغییرات رنگی (شکل ۱۰).

۱۱.
بسط
ابهام و
عمیق در
محله



شکل
نمایش
اصل
انسجام
مرکز
بسط اصل «ابهام و انسجام عمیق» در ساختار محله:
تقویت مراکز میدان و تقویت اتحاد مراکز میدان‌ها
تقویت اتصال و گره خوردن مراکز نیرومند محله از طریق
پیوستگی خیابان شهید رجبر
یکپارچگی فضایی به وسیله مرزهای مشترک دو جانبه
ایجاد احساس بصری مضاعف در فضای میدان‌ها از طریق
معماری مشترک (شکل ۱۱).

«ابهام و انسجام
عمیق»



جدول ۴. نمایش بسط اصول پانزده‌گانه نظریه «ساختار زنده» کریستوفر الکساندر در باززنده سازی مرکز محله سنتی حکم‌آباد

بیان گرافیکی بسط اصل در مرکز محله حکم‌آباد

توضیح اقدام مربوط به بسط هر اصل

نام اصل

بسط اصل «شکل خوب» در ساختار محله:

رعایت تقارن درونی در باز طراحی مرکز محله (قرینه بودن موضعی عناصر
محله)، رعایت تجمیع و وابستگی در طراحی عناصر میدان‌ها (امتداد متناسب و
یا پیوسته کردن اجزا و عناصر محله)، طراحی مرکز متمایز برای هر یک از
میدان‌ها (مرکز منسجم با ویژگی خاص)

ایجاد و تعریف فضاهای معین در پیرامون، مجاورت اجزا محله، مشابهت اجزا
محله، مجاورت اجزا محله، محصوریت و کمال‌یافتگی بستگی اجزا و عناصر،
پیوستگی انسجام، به هم فشردگی زیاده‌نمایی عناصر و رفع کمبودها،
جدایی‌ناپذیری با اطراف

تقویت شکل خوب از طریق مجاورت اجزا در طراحی جداره‌های گذرها و
میدان‌ها (ابهام و انسجام عمیق)

تقویت شکل خوب از طریق بستگی اشکال و اجزا و عناصر بکار رفته در
معماری میدان‌ها و گذرها (مرز)

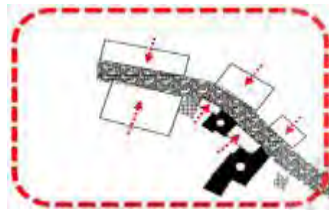
تقویت شکل خوب از طریق مشابهت اجزا (پژواک)

تقویت شکل خوب از طریق قرینه بودن اشکال (تقارن)

تقویت شکل خوب از طریق تجمیع یا وابستگی (جدایی‌ناپذیری)

ایجاد منظر مطلوب در اطراف میدان‌ها و گذرهای محدوده از طریق ایجاد
جداره‌های هماهنگ و زیبا و ریتم‌های تکرارشونده در آن‌ها و استفاده از مصالح
هماهنگ در نمای بدنه‌های تازه‌ساخت و قدیمی (شکل ۱۲).

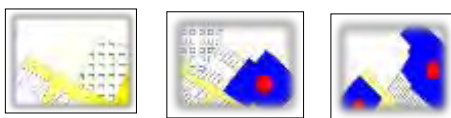
«شکل خوب»



شکل ۱۲. نمایش بسط اصل شکل خوب در مرکز محله



حذف عناصر اضافی
پراکنده و مخروبه، مثل
مغازه نانوائی و میوه
فروشی برای بازگرداندن
شکل هندسی میدان وسط
قسمت‌های مخروبه و نرم و
جدارهای پیوسته و
بدمنظر جدارهای
مشرف به میدان در
جهت ایجاد پیوستگی
فضایی



ایجاد و تعریف فضای
هندسی معینی با دو
عنصر تاریخی در اضلاع
شرقی و غربی خود و
تعریف فضای مشخص
در در اینیه‌های میدان
غسالخانه در جهت
ایجاد محصوریت
فضایی

شکل ۱۳. نمایش بسط اصل فضای معین در مرکز محله

بسط اصل «فضای معین» در ساختار محله:
رعایت اصول ارتفاعی در جدارهای گذرها و میدان‌ها جهت محصور کردن و
ایجاد فضای معین در فضای میدان‌ها و گذرها
مشخص و معین کردن عرصه میدان‌ها از طریق عقب‌نشینی قسمتی از قطعات
جلویی مشرف به میدان‌ها
زنجیروار بودن فضای میدان‌ها
تعریف گوشه‌های متوازن
ایجاد بدنه‌های مشابه در میدان‌ها
هم‌پوشانی فضاها در چند میدان
جهت‌گیری خطی به کمک فرم مربع شکل میدان و شبکه کف
جهت‌گیری خنثی به کمک لبه‌سازی مداوم
جهت‌گیری خنثی به کمک خط دیوار و انتهای آن
جهت‌گیری خنثی به کمک گوشه‌های یکسان
ایجاد مرکزیت به کمک شکل اصلی
ایجاد مرکزیت به کمک طرح کف
ایجاد مرکزیت به کمک یک سطح بالارونده
ایجاد مرکزیت به کمک یک سطح پایین رونده (شکل ۱۳).

«فضای معین»



جدول ۵. نمایش بسط اصول پانزده‌گانه نظریه «ساختار زنده» کریستوفر الکساندر در باززنده سازی مرکز محله سنتی حکم‌آباد

نام اصل	توضیح اقدام مربوط به بسط هر اصل	بیان گرافیکی بسط اصل در مرکز محله حکم‌آباد
«تکرار متناوب»	بسط اصل «تکرار متناوب» در ساختار محله: تکرار متناوب و به هم پیوسته مراکز نیرومند محله (تکرار برخی از ویژگی‌های معماری در طراحی مراکز تمام میدان‌ها) (شکل ۱۴).	
«تضاد»	بسط اصل «تضاد» در ساختار محله: ایجاد جدارهای پر و فضای خالی داخل میدان ایجاد ویژگی مزیت در ساختار هر یک از میدان‌ها ایجاد گشادگی و تنگی در طراحی فضای میدان‌ها توجه به ایجاد محصوریت در طراحی میدان‌ها امکان سرپوشیده کردن فضای مابین دو میدان سبزی و غسالخانه جهت ایجاد تباين فضایی ایجاد توأمان کاربری‌های تفریحی، تجاری، فراغت و کار در فضای میدان‌ها (شکل ۱۵).	
«فضای خالی»	بسط اصل «فضای خالی» در ساختار محله: قرار دادن فضای خالی در فضای بین میدان‌ها (شکل ۱۶).	

شکل ۱۶. نمایش بسط اصل فضای خالی در مرکز محله



شکل ۱۷. نمایش بسط اصل فضای ناهمگونی در مرکز محله

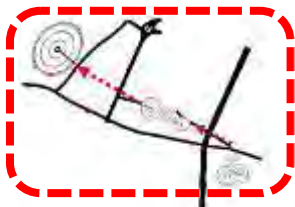


«ناهمگونی»

بسط اصل «ناهمگونی» در ساختار محله:
 معماری مشترک و اعمال آن در بخش‌هایی از تمام میدان‌ها
 پراکندگی عناصر و المان‌های مشترک در نیمه‌های شرقی و غربی میدان‌ها
 (طرح‌هایی از شکل در جاهای مختلف)
 ایجاد و تقویت خصلت ناهمگونی در رنگ، شدت، ابعاد فضا از طریق طراحی
 تنوع در سکناس‌های مختلف حرکت در طول معبر
 تنوع در عملکرد و کاربری میدان‌ها و نوع فعالیت
 تنوع در سکناس‌های مختلف حرکت در طول معبر
 عملکرد متنوع در کاربری میدان‌ها و نوع فعالیت هر یک از میدان‌ها
 طرح‌های یک‌شکل میدان‌ها و جداره‌ها و عناصر نما و عناصر معماری و مبلمان و
 پراکندگی آن‌ها در جاهای متفاوت
 امکان ایجاد تعددی از رویدادهای متنوع جهت درگیر نمودن استفاده‌کنندگان در
 فضا
 تقویت نقاط مکث و حرکت در فضای گذرها و میدان‌ها جهت ایجاد ناهمگونی
 ایجاد فضای متباین در گذرها و میدان‌ها و سرباز و سر بسته شدن پی‌درپی فضای
 گذرها و میدان‌ها (شکل ۱۷).

۱۸

بسط



در

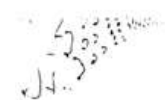
مرکز محله

شکل
نمایش
اصل

درجه‌بندی

بسط اصل «درجه‌بندی» در ساختار محله:
 تغییر در ابعاد فضای باز میدان‌ها
 تغییر در ابعاد جداره‌های میدان
 تغییر در حوزه ارتفاعی
 تغییر در کف‌سازی
 ایجاد بستر فضایی برای حضور افراد مختلف در سنین مختلف (شکل ۱۸).

«درجه‌بندی»



جدول ۶. نمایش بسط اصول پانزده‌گانه نظریه «ساختار زنده» کریستوفر الکساندر در باززنده سازی مرکز محله سنتی حکم‌آباد

بیان گرافیکی بسط اصل در مرکز محله حکم‌آباد

توضیح اقدام مربوط به بسط هر اصل

نام اصل



شکل ۱۹. نمایش بسط اصل سادگی و آرامش درونی در مرکز

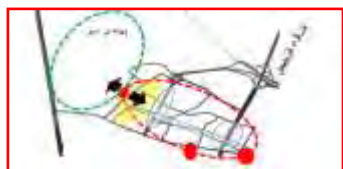
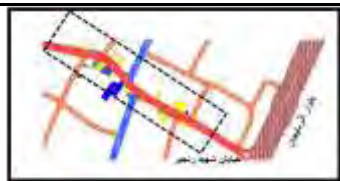
محله

بسط اصل «سادگی و آرامش درونی» در ساختار محله:
 افزایش وضوح و خوانایی
 روان بخشی مجموعه
 توجه به نفوذپذیری مرکز محله
 تناسبات بصری در طراحی مرکز محله
 سازگاری بین فرم، عملکرد، معنا در طراحی
 توجه به زیبایی، وحدت، هویت، نظم، هماهنگی، ماندگاری، غنای حسی، رنگ
 تعلق، گوناگونی

«سادگی و آرامش
درونی»



آرام‌سازی فضاهای میدان‌ها و گذرها و استفاده از تکنیک‌های کاهش سرعت
 تجهیز فضای میدان‌ها به مکان‌های دنج و راحت جهت تقویت قرارگاه‌های
 رفتاری
 تقویت نقاط خاطره‌انگیز در محل و تقویت حس تعلق از طریق نشانه‌های ذهنی
 تقویت نورپردازی در فضای میدان‌ها و گذرها جهت افزایش خوانایی و ایجاد
 نمایانی و ایجاد امنیت و آرامش
 آرام‌سازی نمای جداره‌های دور میدان و گذرها از طریق حذف عناصر اضافی و
 الحاقات نما و حذف و تابلوها و اغتشاشات بصری در نماها (شکل ۱۹).



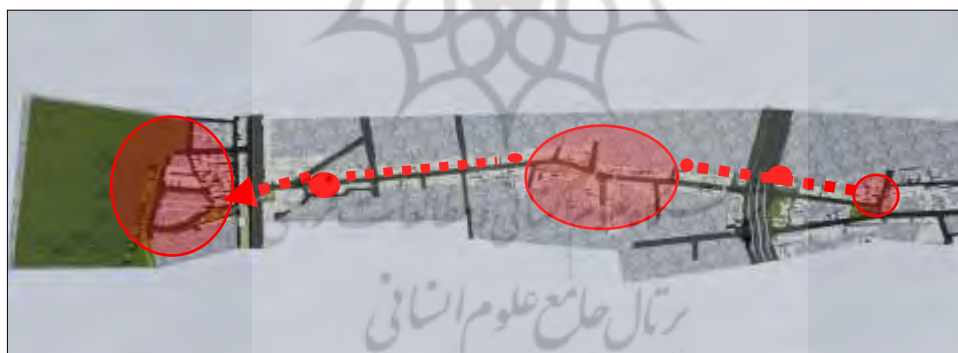
شکل ۲۰. نمایش بسط اصل جدایی‌ناپذیری در مرکز محله

بسط اصل «جدایی‌ناپذیری» در ساختار محله: اتصال میدان‌ها به کمک طراحی کف میدان و زنجیروار بودن فضای میدان‌ها. ایجاد بدنه‌های مشابه در میدان‌ها. هم‌پوشانی فضاهای چند میدان. اتصال فضایی در کف میدان سبزی از طریق ایجاد کف سازی پیوسته در قسمت‌هایی که انقطاع فضایی رخ داده است. احیای جداره‌های صلب در محدوده گذرها و ساماندهی نماها و جداره‌های مسیر جهت ایجاد پیوستگی در نمای ساختمان‌ها اصلاح نمای بدنه‌های و ایجاد هماهنگی با جداره‌های اطراف در فضای گذرها تقویت و یکسانی خصلت خط مرز مشترک بزرگراه آذربایجان بدنه سازی یکسان دوطرف بزرگراه، برای عجین شدن محله با نیمه شرقی جدا افتاده‌اش از طریق یکسانی خصلت نورپردازی و جداره سازی مشترک و رنگ و نوع مصالح بکار رفته و چیدمان نوع میلمان و درختان و ارتفاع و تراکم‌های یکسان تقویت و ساماندهی مرکز و مجاورت اجتناب‌ناپذیر عناصر اطراف (مرکز حمایت‌کننده) تقویت پیوستگی مراکز نیرومند کل محله (بیمارستان اسدآبادی، مدرسه کشاورزی، پهنه‌ی سبز) محله از طریق تقویت محور اصلی و تعریف و تقویت مراکز نیرومند در محله تقویت جدایی‌ناپذیری میدان‌ها از طریق مرکزهای مشخص، جداره‌های پیوسته با خصلت‌های مشترک، کف‌سازی و المان‌های مشترک (شکل ۲۰).



به‌عنوان راه‌کاری در باززنده سازی محلات سنتی نتیجه‌گیری شد (شکل ۲۱).

با توجه به یافته‌های تحقیق در قالب جدول‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۲ موفق بودن بسط اصول پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده



شکل ۲۱. باززنده سازی مرکز و ساختار اصلی محله پس از بسط اصول پانزده‌گانه

بسط اصول پانزده‌گانه در ساختار مرکز محله حکم‌آباد نتیجه گرفته می‌شود که پانزده خصلت نظریه ساختار زنده الکساندر، سیرت و ذات نظام‌های «زنده» را تعیین می‌کنند، در نتیجه در باززنده سازی «مرکز ساختارمند» و «کلیت یکپارچه» محله هر چه نظام‌های بیش‌تری از آن‌ها از اصول پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده برخوردار باشد، مرکز محله به «زنده بودن» بیش‌تر گرایش می‌یابد.

حضور این خصایل به نحوی نشانگر زنده بودن و حیات دار بودن محله سنتی است. دستور کار قرار دادن این راهکارها در باززنده سازی برای مدیران اجرایی در سطح شهر حائز اهمیت است. زیرا به تقویت کیفیت «حیات» و «ساختار زنده» محله امروزی کمک می‌کند. با ارزیابی کنش متقابل خصلت‌ها در ساختار محله حکم‌آباد در جدول ۷، در قالب سه دوره نخست: قبل از مداخلات دوره مدرن و قبل ۱۹۰۰، دوم: در ساختار حکم‌آباد امروزی پس از مداخلات دوره مدرن و سوم: پس از

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد این‌جانب با عنوان «بازطراحی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکردی تحلیلی بر نظریات طراحی کریستوفر الکساندر» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به راهنمایی دکتر اکبر عبداله‌زاده طرف می‌باشد.

✓ به‌کارگیری نسبی هر یک از راهکارهای پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده در باززنده‌سازی مرکز محلات سنتی با توجه به وضعیت موجود هر محله و میزان ناکارآمدی فضاهای آن در جهت تحقق کیفیت «حیات» و «کلیت زنده در ساختار محله».

References

- Alexander, C. (2004). *The Nature of Order: an Essay on the Art of Building and the Nature of Universe. (four books)*, New York: Oxford university press.
- Alexander, C. (2011). *The nature of the order of living structures in architecture. Translation: Reza Sabri. sirous and Ali Akbari*. Tehran: Parham Naghsh. (In Persian)
- Alexander, C. (2012). *The city is not a tree. Translation: Farnaz Farshad and Shamin Golrokh*. Tehran: Armanshahr Publications. (In Persian)
- Alexander, C., & etal. (1994). *The new theory of urban design*. Translation: Tash Consulting Engineers Company, Tehran: Andishe Publishing. . (In Persian)
- Akbari, A. (2013). From Mathematics to Architectural Structuralism; Reviewing the Evolution of Three Decades of Christopher Alexander with a Review of His Works. *Mahe Honar*, 14(180), 22-28. (In Persian)
- Ardabilchi, I., & Medghalchi, L. (2019). The Life Giving Properties in the Structure of the Ganjali-Khan Square in Kerman based on Alexander's Theory of Order. *Space Ontology International Journal*, 8(4), 57- 70.
- Ataiyeh, A. (1986). *Iranian Turkish poetry of the 14th century*, Tehran: Ali Ataiyeh. (In Persian)
- Andalib, A., Bayat, A., & Rasoli, L. (2012). Comparison and adaptation of regeneration of worn-out urban textures, Khayyam block of Tehran (Iran) and Liverpool 1 project (UK). *Environmental Studies Quarterly*, 6(23), 79-104. (In Persian)
- Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*, Tisbury, Streetwise press.
- Dezfuli, R. (2019). Evaluation of the level of attention to the place of neighborhood-oriented sustainable development in urban development plans, *City identity Magazine*, 6(12), 71-78. (In Persian)
- Grabow, S. (1983). *Christopher Alexander and the Search for a New Paradigm in Architecture*. Oriol press, Stocks field.
- Ghiaie, M., Partovi, H., Farzad, P., & Behtash, M. (2012). Analytical framework and methodology of revitalization of historical tissues and localities. *Scientific-research journal of restoration and architecture of Iran*. 3(6), 1-26. (In Persian)
- Hosseini, S., & Abdollahzadeh Taraf, A. (2017). *Redesigning the Spatial Structure of Traditional Neighborhoods with an Analytical Approach to Christopher Alexander Design Theories*. M. Sc. Thesis, Tabriz Azad University, Faculty of Art and Architecture. (In Persian)
- Hosseini, S., & Abdollahzadeh Taraf, A. (2021). Historical Analysis of Reflection of Fifteen Principles of Christopher Alexander's Living Structure Theory on the Spatial Organization, Abwab-al- Berr Case study: Ghazanieh and Rab'e Rashidi. *Bagh-e Nazar*, 18 (101), 107-124. (In Persian)
- Habibi, M., & Maqsoodi, M. (2018). *Urban renovation*. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Heydari, R., & etal (2011). The application of urban development strategy in the improvement of informal settlements (case study: Ghazan neighborhood of Tabriz). *Urban Research and Planning Magazine*, 4(12), 34-54. (In Persian)
- Hedayatnia, M., & Salehi kakhki, A. (2013). *Assessment of physical and spatial features of Ghaleh Ghortan based on Christopher Alexander's ideas*. master's thesis, Isfahan: art university. (In Persian)
- Hatefi Shoja, S. (2015). Generalization Rate of Christopher Alexander's Living Structure Theory. *Bagh-e-Nazar*, 13(39), 36-50. (In Persian).

- Johari, F., Pourjafar, M., & Masnavi, M. (2010). An analysis of revitalization of urban centers. *Haft Shahr magazine*, 3(41-42), 23-35. (In Persian)
- Jefferson, T. (2011). *Report of the second ad hoc committee on revitalization of old town*. Missouri: city council.
- Lotfi, S. (2011). *Genealogy of urban regeneration*. Tehran: Azarakhsh Publications. (In Persian)
- Latifi, G., Safari, R., & Chabak, N. (2013). Re-creating the concept of neighborhood in Iranian-Islamic cities based on the principles of neo-urbanism. *Journal of Social Sciences*, 2(8), 58-66. (In Persian)
- Montgomery, J. (2003). Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part1: conceptualizing cultural quarters Planing. *Practice and Research*, 18(4), 293-306.
- Neto, P., & Serrano, M. (2011). *Governance and creativity on urban regeneration processes*. Cefagwue working paper, Portugal: university of Evora.
- Mohajeri, N., & Ghomi, Sh. (2008). An analytical approach to design theories of christopher Alexander, *Journal of Hoviatshahr*, 2(2), 45-56. (In Persian)
- Mutin, C. (2015). *Designing cities(streets and squares)*. Translated by Dr. Hassan Ali Pourmand. Tehran: Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Nemati Mehr, M. (2005). The Principle of Totality in Urban Design. *Fine Arts Magazine*, (22), 5-14. (In Persian)
- Norzmani, N., Zahedi, S., Motaghedi, F., & Mirgholami, M. (2014). *Extracting the language of the model of the city of Tabriz in the Ilkhanid era. International Congress on New Horizons in Architectures and Planning*. Tehran, Iran. (In Persian)
- Noorani Yazdi, M., & Nabi Meibodi, M. (2012). *Designing a boys' primary school in Yazd with a reflection on the relationship between symmetry and life in architecture (based on Alexander's views on symmetry)*, Master's Thesis of Architecture, Faculty of Architecture, Yazd University. (In Persian)
- Tehrani(Fakhari), F., Parsi, F., & Bani masoud, A. (2006). *Reading of old maps of Tabriz*. Tehran: Vezarat-e maskan va shahrsazi. (In Persian)
- Ostad Ghaffari, S. (2015). Urban regeneration based on readability, an approach to the form and content revival of the original structure. *Shahri Studies Journal*, 29(17), 29-40. (In Persian).
- Tagvaie, M., Hosseinikhah, H., & Alizadeh Asl, J. (2014). Urban development strategy with an emphasis on the empowerment of urban areas. *The Journal of Geographical Analysis of Space*, 5(15), 126-141. (In Persian)
- Sajjadzadeh, H., & Zulfi Gol, S. (2014). Urban design in the re-creation of traditional neighborhoods with a development-stimulating approach (Case example: Kalpa neighborhood). *Environmental Studies Quarterly*. 8(31), 148-171. (In Persian)
- Tahouri, N. (2012). Poetic dwelling and making immortal: Examining the similarities between Heidegger and Alexander. *Khiyal Magazine*, 1(3), 70-113. (In Persian)
- Zangi Abadi, A., Moayedfar, S., Ghafoorzadeh, M. (2014). Evaluation of revitalization of old urban contexts in the direction of sustainable development (Yazd city). *Urban Studies and Planning Quarterly*, 3(9), 135-159. (In Persian)
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۲). *سرشت نظم، ساختارهای زنده در معماری*. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: پرهام نقش الکساندر، کریستوفر و همکاران (۱۳۷۳). *نظریه جدید طراحی شهری*. ترجمه: شرکت مهندسين مشاور طاش، تهران: نشر اندیشه.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۱). *شهر درخت نیست*. ترجمه: فرناز فرشاد و شمین گلرخ، تهران: انتشارات آرمانشهر.
- اکبری، علی (۱۳۹۲). *از زبان ریاضیات تا ساختارگرایی در معماری: بررسی تحولات در آرای سه دهه کریستوفر الکساندر با مروری بر آثار وی*. نشریه کتاب ماه هنر، ۱۱۴ (۱۸۰)، ۲۸-۲۲.
- استادغفاری، صدف (۱۳۹۵). *بازآفرینی شهری خوانایی محور، رویکردی به تجدید حیات شکلی و محتوایی ساخت اصلی*. نشریه مطالعات شهری، ۲۹ (۱۷)، ۴۰-۲۹.
- تهرانی (فخاری)، فرهاد؛ پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵). *بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

- تقوایی، مسعود، حسینی‌خواه، حسین و علیزاده اصل، جبار (۱۳۹۴). استراتژی توسعه شهری با تاکید بر توانمندسازی محلات شهری. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۵(۱۵)، ۱۲۶-۱۴۱.
- جوهری، فرخنده، پورجعفر، محمدرضا و مثنوی، محمدرضا (۱۳۸۹). تحلیلی پیرامون باززنده سازی مراکز شهری. *مجله هفت شهر*، ۳(۴۱-۴۲)، ۲۳-۳۵.
- حسینی، سارا و عبدالله‌زاده طرف، اکبر (۱۳۹۶). *بازطراحی ساختار فضایی محلات سنتی با رویکردی تحلیلی بر نظریات طراحی کریستوفر الکساندر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد تبریز.
- حسینی، سارا و عبدالله‌زاده طرف، اکبر (۱۴۰۰). *واکاوی تاریخی بازتاب اصول پانزده‌گانه نظریه ساختار زنده کریستوفر الکساندر بر سازمان فضایی ابواب البر ایلخانی*. *باغ نظر*، ۱۸(۱۰۱)، ۹۷-۱۱۲.
- حیدری، رحیم و دیگران (۱۳۹۱). کاربرد استراتژی توسعه شهری در بهبود سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله غازان تبریز). *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۴(۱۲)، ۳۴-۵۴.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۹۰). *مرمت شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دزفولی، رامنا (۱۳۹۰). ارزیابی میزان توجه به جایگاه توسعه پایدار محله‌محور در طرح‌های توسعه شهری. *مجله هویت شهر*، ۶(۱۲)، ۷۱-۷۸.
- زنگی آبادی، علی؛ مویدفر، سعیده و غفورزاده، مجتبی (۱۳۹۴). ارزیابی باززنده سازی بافت‌های قدیم شهری در راستای توسعه پایدار (شهر یزد). *فصلنامه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری*، ۳(۹)، ۱۳۵-۱۵۹.
- سجاذزاده، حسن و زلفی گل، سجاد (۱۳۹۴). طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه (نمونه موردی: محله کلیا). *فصلنامه آمایش محیط*، ۸(۳۱)، ۱۴۸-۱۷۱.
- طهوری، نیر (۱۳۸۱). سکونت شاعرانه و ساختن جاودانه: بررسی وجوه تشابه در آرای هایدگر و الکساندر. *مجله خیال*، ۱(۳)، ۷۰-۱۱۳.
- عطاییه، علی (۱۳۶۵). *شعر ترکی ایران قرن ۱۴*، تهران: علی عطاییه.
- عندلیب، علیرضا؛ بیات، اشکان و رسولی، لیلا (۱۳۹۲). مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری، بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول (بریتانیا). *فصلنامه آمایش و محیط*، ۶(۲۳)، ۷۹-۱۰۴.
- غیائی، محمد؛ هادی، پرتوی؛ پروین، فرزاد و بهتاش، محمدرضا (۱۳۹۲). چارچوب تحلیلی و روش شناسی باززنده سازی بافت‌ها و محلات تاریخی. *فصلنامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران*، ۳(۶)، ۱-۲۶.
- لطفی، سهند (۱۳۹۰). *تبارشناسی بازآفرینی شهری*. تهران: انتشارات آذرخش.
- لطیفی، غلام؛ رضا، صفری و چابک، ندا (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی. *مجله علوم اجتماعی*، ۲(۸)، ۵۸-۶۶.
- میمنت نژاد، کریم (۱۳۸۲). *تاریخ حکم‌آباد تبریز*. تبریز: انتشارات فن افزار.
- موتین، کلیف (۱۳۹۵). *طراحی شهرها (خیابان و میدان)*، ترجمه: حسنعلی پورمند. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مهاجری، ناهید و قمی، شیوا (۱۳۸۷). رویکردی تحلیلی بر نظریه‌های طراحی کریستوفر الکساندر، *مجله علمی-مطالعه‌ای هویت شهر*، ۲(۲)، ۴۵-۵۶.
- نعمتی مهر، مرضیه سادات (۱۳۸۴). اصل کلیت در طراحی شهری. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۲(۲)، ۵-۱۴.
- نورانی یزدی، ملیحه السادات و نبی‌مبیدی، مسعود (۱۳۹۲). *طراحی دبستان پسرانه در یزد با تأملی بر رابطه تقارن و حیات در معماری (براساس آرای الکساندر در مورد تقارن)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری، دانشگاه یزد.
- نورزمانی، نوشین؛ زاهدی، سمن؛ معتقدی، فرزانه و میرغلامی، مرتضی (۱۳۹۳). *استخراج زبان الگوی شهر تبریز در دوره ایلخانیان*. مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.
- هاتفی شجاع، سمیه (۱۳۹۴). میزان تعمیم‌پذیری نظریه ساختار زنده کریستوفر الکساندر در باغ ایرانی. *باغ نظر*، ۱۱۳(۳۹)، ۳۶-۵۰.
- هدایت‌نیا، محمدرضا و صالحی کاخکی، احمد (۱۳۹۲). *بررسی و ارزیابی ویژگی‌های کالبدی و فضایی قلعه قورتان بر مبنای اندیشه‌های کریستوفر الکساندر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان.